

فعالانه در مبارزه انتخاباتی مجلس بررسی قانون اساسی شرکت کنیم
افشاگرانه متجاوزان بحقوق مردم را معرفی کنیم و فرصت دهیم که مردم در عمل بیاموزند حکومت حق آنهاست، و هیچکس برای حکومت به آنها از خودشان شایسته تر نیست

شنبه
۹
 مرداد ۱۳۵۸
 ۶ رمضان ۱۳۹۹
 ۳۱ ژوئیه ۱۹۷۹

پیغام امروز

شماره ۱۲۰ دوره جدید سال بیستم تک شماره ۱۵۰ ریال

نریه: انتخابات باید به تعویق بیفتد

در آستانه انتخابات گروه‌های غیر وابسته به «حزب معروف» در معرض تهدیدند

عصر دیروز حسن نریه، محمود عنایت و رحیم عابدی کاندیدهای حزب جمهوری خلق مسلمان ایران در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کردند و به سئوالات خبرنگاران در مورد انتخابات و مجلس بررسی قانون اساسی پاسخ دادند. رحیم عابدی گفت: مجلس خبرگان نباید یک قطبی باشد و نمایندگان تمام احزاب و گروه‌ها باید به آن راه یابند. زیرا در غیر این صورت قانون اساسی که تصویب میشود، خواسته‌های کاندیدهای جاما:

مردم ایران از انقلاب رابرا آورده نمی‌کنند. و در صورت تصویب چنین قانونی، مبارزه مردم ایران برای نیل به آزادی ادامه خواهد داشت.

محمود عنایت گفت: از آنجایی که روزنامه‌نگارم اگر به مجلس

بررسی قانون اساسی راه یابم، تمام کوشش خود را مصروف مبارزه با سانسور و اختناق می‌کنم. بنظر من بجای اینکه عده‌ای روشنفکر خود را سپر بلا کنند، بقیه هر صفحه ۲

چرا مشارکت؟ چرا افشاگری؟

مشارکت فعال، در انتخابات مجلس خبرگان، فرصتی است برای ایجاد محرك، در مبارزه سیاسی، که بر اثر سیاست‌های نادرست و انحصارگرانه تبلیغاتی قدرت مستولی، میرفت به انحراف، و افزوا کشانده شود.

یقین است که مجلس خبرگان، جایگزین مجلس مؤسسان نمی‌شود. ولی لازم است مردم بدانند که چگونه قدرت مستولی، برای پیشبرد هدفهای خود، تارمز خلف‌بوده، و تغییر تمهیدهای اساسی که به مردم سپرده بود پیش رفت. و بعد هم در آستانه تدارک انتخابات مجلس خبرگان، نخبگان، و خبرگان به قول آیت‌الله طالقانی «همه در یک لباس و یک رنگ» شرایط چنان خفقان‌آوری در ارتباط با مردم شهرستانها و استانها پدید آورد که در پاره‌یی از استانها و شهرهای بزرگ، رابطه مردم، محمود به آن مقدار اندیشه و تصور است که این قدرت مستولی می‌خواهد در اختیارشان قرار دهد.

گروهی از جمعیت‌های مترقی، به دلیل همین فقدان آزادی، مشارکت در انتخابات را که در واقع، قسمتی از مبارزه افشاگرانه، برای نشان دادن ویرملا ساختن ماهیت و محتوای انتخابات مجلس خبرگان است، تحریم کرده‌اند. بقیه در صفحه ۳

قانون اساسی باید منشور نابودی استبداد، استعمار و استثمار باشد

و استعمار بود باید در قانون اساسی خود هدف‌های اساسی را که محور استبداد، استعمار و استثمار است، بقیه در صفحه ۸

درگیری مسلحانه بین سپاه پاسداران و افراد کمیته ۸

در پی درگیری که روز یکشنبه، بین عده‌ای از افراد سپاه پاسداران و افراد کمیته ۸ تهران بوقوع پیوست، ۳ تن از افراد سپاه پاسداران توسط کمیته ۸ بازداشت شدند.

حدود ۲۰ تن از افراد سپاه پاسداران با در دست داشتن حکمی از دفتر مرکزی سپاه، برای تحویل کمیته ۸ به آنجا رفتند. اما مسئولین کمیته پس از مطالعه حکم، از تحویل کمیته خودداری کردند و در نتیجه بین سپاه پاسداران و افراد کمیته درگیری، بوجود آمد. در این ماجرا افراد دو گروه در دوسوی میدان سنگربندی کردند و حدود نیم ساعت به شلیک تیرهای هوایی، پرداختند.

ضد انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب

گروه گروه، عوامل فعال ضد انقلاب، رها شدند، و از زندانها به خانه‌ها و یاغی‌های خود برآوردند، و جای استراحت اغلب به تماشای و استقرار روابط مشکوک پرداخته‌اند. اینان چندان از انبوه عوامل متشکل و متخصص ضد انقلابند، که از آغاز بازداشت نشدند، و در لابه‌لای سازمانها و ارگان‌های پیچیده و از هم پاشیده حکومت خود در اینها ساختند، یا سراز کمیته‌ها، و ارگانهای مولود انقلاب درآوردند.

ضد انقلاب، اکنون بسیار حیثیتر، و مستعدتر در میان ماست. در دیر خوردهای روزانه‌ها، در گفت و شنودهای که هر جا جریان دارد، در موج تبلیغ محسوس، و در اعمال و حرکات تحریک آمیز، و دیگر بحث از ضد انقلاب در سیمای ناراضی مرفه و بی‌مزه نیست. ما، ضد انقلاب‌ها، در جلوه‌های تدارک نه‌تأخیر آمیز می‌بینیم.

وزیر امور خارجه، و عده‌ها بوده، با اجازه رهبری روحانی، سیاسی انقلاب، اسناد و مدارک مربوط به بختیار رامتنشر کنند، کاش این وعده زودتر انجام می‌گرفت، تا آشکار می‌شد، آیا آنچه به نام مصاحبه شاه مطرود و منفور از مکتوب شد، بقیه در صفحه ۴

دیداری از شورای انقلاب، کمیته‌ها و دولت (۴)

جرقه‌های فریبنده

این سرگردانی، که اکنون، در طبع حکومت هست، و گاه در آن جرقه‌هایی از امید، برای پیشبرد انقلاب می‌زند، سرگردانی ناشی از خلق و خو و خصلت ترکیبی است که توانسته است خود را، از طریق کمیته‌ها، و شورای انقلاب بر اوضاع و احوال پس از تسلیم میلیتاریسم سرسپرده، حاکم سازد. بی آنکه توانایی چنین حکومتی را داشته باشد.

درست مانند یک کولاک (کشاورز خرده مالک) که تراکتوری را، در کنار مزرعه خود، تصرف کرده باشد، ولی طرز کار و استفاده از آنرا، ندارند و از تمام کسانی که به آنها اعتماد دارد که تراکتور را از او بخواهند گرفت، با روی باز برای تعمیر حرکت تراکتور تمنا می‌کنند، ولی از سپردن آن به بازوهای توانایی که تراکتور را تا پای مزرعه آورده، بی‌مناک است.

درین میان، طبعی است که مجموعه سرخوردگان رژیم سرنگون شده، یا فرصت طلبان داران پشتوانه ارتباط بقیه در صفحه ۷

دولت نمی‌تواند قانون مطبوعات را وضع کند

آیت‌الله شریعتداری در یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگاری پارس مسائل مهم مملکتی را به بحث گذاشت.

آیت‌الله شریعتداری در قسمتی از مصاحبه خود در مورد قانون مطبوعات گفت:

یک نمونه دیگر از فضای دمکراتیک در آستانه انتخابات مهاجمان چماق بدست به میتینگ چریکهای فدایی در آمل حمله کردند

آمل - بعد از ظهر یکشنبه گروهی چماق بدست با شعارهای ضد کمونیستی به دفتر سازمان چریکهای فدایی خلق در آمل حمله کرده و پس از شکستن در و پنجره کلیه اناثیه داخل دفتر را به

قابل توجه کارفرمایان مجترم بخشودگی خسارات و جرائم حق بیمه

مفحه ۷

وزارت کشور و مسئولیت انتخاباتی

آقای وزیر کشور، حالا نوبت شماست که نشان دهید، چه اندازه به آرمانهای انقلاب و اصول اخلاق اسلامی مؤمن هستید. این تلگرام آقای ابوالفضل قاسمی، دبیر حزب ایران، عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران و مرد مؤمن مبارزات ضد استعماری، در سی سال اخیر است که برای شما، از روزنامه اطلاعات نقل کرده‌ایم:

«درگز - دادستان محترم. با اینکه همگان ناظر استقبال کم نظیر مردم درگز در سفر اخیر از من بوده‌اند، طبق تلگراف ششم مرداد مردم هواخواه انقلاب ایران، فرماندار درگز در تعیین هیات نظارت انتخابات اصالح نفوذ کرده است بدین وسیله ممتن عرض و اعلام جرم می‌کنم. بقیه در صفحه ۷

در حاشیه: اینها که باز می‌گردند مستشاران امریکائی اند

هر قدم حکومت، در پیوند مجدد شیرازه‌های کسب شده رابطه با امریکاییسم امریکا و نظام جهانی امریکاییسم هر اندازه محرمانه، بی‌مسته همراه یا ضربه‌های علنی خاموش کننده است که بر یک افشاگران و دشمنان سر مست این پیوند فرود می‌آید.

شما امروز یا نمونه‌های تازه‌ای از فشار و ایجاد ضربه و اختناق درباره روزنامه‌ها و روزنامه‌های مترقی دیگر در شهرستانها رویارو هستید. عوامل رهبری شده از مرکز، که شاید در ادارات ارشاد ملی (اطلاعات و جهانگردی سابق) متمرکزند، و شاید یا کمیته‌ها، و شاید با سازمانهای دیگر، بقیه در صفحه ۲

قانون اساسی، در برابر افکار عمومی

پیغام امروز از صاحب نظران برای بیان نظرها در مورد متن طرح شده قانون اساسی دعوت می کند.

مجلس خبرگان کاریکاتوری است از مجلس موسسان

تحلیل نماید و منافع اینگونه طبقات را بر مصالح خلقهای ایران ترجیح دهد. در نتیجه کاریکاتوری از مجلس موسسان را بمردم ایران عرضه می نماید.

۵- قانون اساسی آیندما ایران باید حق خلقهای ایران را در تعیین سرنوشت خویش در نظر گیرد.

۶- در قانون اساسی جدید ایران باید کلیه حقوق فردی و اجتماعی مردم با توجه به متن اعلامیه حقوق بشر با صراحت کامل در نظر گرفته شود.

۷- در تدوین قوانین باید همه میهن خاظر نشان میسازد:

۱- قانون اساسی تنها زمانی می تواند دربرگیرنده و حافظ منافع توده های مردم باشد که بوسیله مجلس موسسان، که با شرکت نمایندگان و طبقات اقشار مختلف تشکیل شده باشد، تدوین گردد.

۲- انتخاب نمایندگان مجلس موسسان باید در شرایط کاملاً دموکراتیک و برحسب سابقه مبارزاتی نمایندگان و شناخت آنان از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه انجام پذیرد، نه از طریق اعمال نفوذ قدرت مرکزی و استمداد از سنتهای کهن و پیوسیده برای جلوگیری از انتخاب نمایندگان واقعی و واجد شرایط مردم.

۳- مجلس موسسان قانون اساسی را خود تنظیم، تدوین و سپس تصویب مینماید. درحالی که مجلس خبرگان فقط مجلسی مشورتی است و حق تصویب قوانین را ندارد.

۴- تدوین این چنین قانون اساسی چیزی جز مردم فریبی نیست. اصولاً هیات حاکمه از نیروی خلقها و نفوذ گروههای سیاسی مترقی در توده های مردم وحشت دارد و درست به همین دلیل است که به مثله کردن مجلس موسسان می خواهد سلطه طبقات در حال زوال را به مردم

توده ای، و بحث و گفتگو با مردم پیرامون اهدای فوق الذکر.

- حرکت متشکل (بصورت هسته ای چند نفره) در شهر و مناطق توده ای و محل جمعیت کارگری... برای بخش اعلامیه ها، تراکتها و پمچت و گفتگو با کارگران و توده های زحمتکش.

- ایراد سخنرانی در محلات و مناطق کارگری و توده ای، از طریق تشکیل میتینگ های موضعی.

شورای هماهنگی ضمن انتقاد و بیان اعتراض به نحوه تدوین قانون اساسی و همچنین ضمن اعلام آمادگی برای شرکت در انتخابات مجلس خبرگان موارد زیر را برای روشن شدن اذهان هم میهن خاظر نشان میسازد:

۱- قانون اساسی تنها زمانی می تواند دربرگیرنده و حافظ منافع توده های مردم باشد که بوسیله مجلس موسسان، که با شرکت نمایندگان و طبقات اقشار مختلف تشکیل شده باشد، تدوین گردد.

۲- انتخاب نمایندگان مجلس موسسان باید در شرایط کاملاً دموکراتیک و برحسب سابقه مبارزاتی نمایندگان و شناخت آنان از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه انجام پذیرد، نه از طریق اعمال نفوذ قدرت مرکزی و استمداد از سنتهای کهن و پیوسیده برای جلوگیری از انتخاب نمایندگان واقعی و واجد شرایط مردم.

۳- مجلس موسسان قانون اساسی را خود تنظیم، تدوین و سپس تصویب مینماید. درحالی که مجلس خبرگان فقط مجلسی مشورتی است و حق تصویب قوانین را ندارد.

۴- تدوین این چنین قانون اساسی چیزی جز مردم فریبی نیست. اصولاً هیات حاکمه از نیروی خلقها و نفوذ گروههای سیاسی مترقی در توده های مردم وحشت دارد و درست به همین دلیل است که به مثله کردن مجلس موسسان می خواهد سلطه طبقات در حال زوال را به مردم

هم اکنون که تمام اجتماعات خلقی محکوم اند و مورد تهاجم قرار می گیرند، شوراهای کارگری تهدید به انحلال می شوند، سران انقلاب و روح طلب ضد انقلابی خوانده می شوند و اکنون که دست آورد های انقلاب در پیش چشم توده های خلقی، یک به یک به پلغ می رود و طیفه ماست که بطور پیگیر دست به افشای وسیع سیاست های ضد انقلابی دولت بزنیم، اما در حال حاضر، از

از پیشروی انقلاب توده ای هراس و واهمه دارند از اینرو هر عاملی که بتواند هرچه بیشتر موجبات رشد و آگاهی توده ها را فراهم کند، و آنها را در امر تحقق خواست های برحقشان، ترغیب و تشویق نماید، از نظر آنها «ضد انقلاب» محسوب می شود. و از همینروست که تمام وسایل ارتباط جمعی از رادیو و تلویزیون و برخی مطبوعات گرفته تا سایر امکانات عظیم تبلیغات

رزمندگان آزادی طبقه کارگر مبارزین آزادی خلق ایران، اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر، پیوند مبارزان راه آزادی طبقه کارگر، ابراهیم نظری (کارگر) را به عنوان سوهین کاندیدای خود معرفی کردند. دو کاندیدای قبلی این سازمانها مرتضی آلاپوش و انجم احمد بودند.

۶ سازمان ائتلافی همچنین در

بیانه ای با عنوان «سخنی با هواداران: پیرامون وظایف مادر ثبات انتخابات مجلس خبرگان» نوشته اند:

بحران سیاسی اقتصادی فعلی حاکم بر جامعه، نشانگر ناتوانی نیروهای است که بنا بر ماهیت طبقاتی شان نمی توانند و نمی خواهند به خواستهای عادلانه و انقلابی توده ها پاسخ دهند و از طرق مختلف و به شیوه های گوناگون سعی در مهار نمودن پیشروی انقلاب توده های ملی، خلقهای میهن ما، خود به بازترین شکلی شاهد پایمال شدن حقوق عادلانه خویش در تمام زمینه های باشند و می بینند که رژیم حاکم، بتدریج نیرو های سرکوبگر خود را بازسازی می کند و پیوسته بر حملات و تهاجمات خود بر نیرو های انقلاب و مبارزات قشرهایی پیشرو خلق می افزاید. و با تبلیغات گسترده و مدام خود می گویند، تا در ذهن بخش های نا آگاه توده ها آثار «اخلاقگر» و «ضد انقلاب» جلوه دهند حال آنکه این خود آنها هستند که با هواداری از منافع و امتیازات امپریالیسم و از جماع، در امر پیشرفت مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک توده ها «اخلال» می کنند و متقابلاً

با شرکت در انتخابات «مجلس خبرگان» ماهیت ضد انقلابی دولت را افشای کنیم

آنجا که توده ها علیه ماهیت ضد انقلابی دولت، خواسته های خود را از او طلب می کنند و به «مجلس خبرگان» چشم دوخته اند، ما با شرکت در انتخابات این «مجلس» می گوئیم تا زمینه مساعدی برای این افشاکسری فراهم سازیم.

در چنین شرایطی، این وظیفه ماست که نیروهای خویش را در چنین جهتی بسیج نموده و در زمان هم و به تبلیغ و ترویج وسیع از هر طریق و امکان در میان توده های خلق بپردازیم.

شکی نیست که این وظیفه همیشه ما طرفداران آزادی طبقه کارگر می باشد، اما در شرایط کنونی که انتخابات «مجلس خبرگان» در مرکز توجه توده ها قرار گرفته، این امر از اهمیت بیشتری برخوردار است و بیش از هر زمان دیگر کوشش و فعالیت سازمان یافته و مسئولانه را طلب می کند. وظایف عملی نیرو های هل و هواداران آنها در این مرحله عبارتست از:

- بخش وسیع تراکتها - اعلامیه ها، پوسرها و ... در کلیه نقاط شهر و روستاها.

- ایراد سخنرانی در محل کار و مسکونت.

- شرکت فعال در مجامع

دولتی در انحصار این نیروها قرار گرفته است و جانی برای گفتگو و بحث نیرو های انقلابی باقی نمانده است. و اگر در این چند روز وجود چنین امکاناتی، آنها بطور بسیار محدود را تحصیل کرده اند، بخاطر فشار توده ها و اجتناب از رسوائی در پیشگاه آنها است.

خنده مجلس خبرگان

همچنین بدلیل همین وحشت و هراس آنها از آگاهی توده ها و نیز تثبیت هرچه زودتر پایه های قدرت خود از طریق «تصویب» قانون اساسی کذابی است که خنده «مجلس خبرگان» را به جای «مجلس موسسان» بکاز بستند. تا از این طریق تا حد امکان از عملکرد افشاکرانه نیروهای مترقی و انقلابی جلوگیری نمایند.

اما ما دیگر نیروهای انقلابی و هل که پیوسته هدفن افشای دشمنان خلقهای زحمت کش و در راس آن طبقه کارگر بوده است، از هر فرصتی برای آگاه نمودن توده ها استفاده نموده می نمایم. و در این راه و برای نقش بر آب کردن نقشه های دشمنان انقلاب سازشکاران و انحصارطلبان تمام نیروی خود را بکار می گیریم. زقا!

دولتی در انحصار این نیروها قرار گرفته است و جانی برای گفتگو و بحث نیرو های انقلابی باقی نمانده است. و اگر در این چند روز وجود چنین امکاناتی، آنها بطور بسیار محدود را تحصیل کرده اند، بخاطر فشار توده ها و اجتناب از رسوائی در پیشگاه آنها است.

خنده مجلس خبرگان

همچنین بدلیل همین وحشت و هراس آنها از آگاهی توده ها و نیز تثبیت هرچه زودتر پایه های قدرت خود از طریق «تصویب» قانون اساسی کذابی است که خنده «مجلس خبرگان» را به جای «مجلس موسسان» بکاز بستند. تا از این طریق تا حد امکان از عملکرد افشاکرانه نیروهای مترقی و انقلابی جلوگیری نمایند.

اما ما دیگر نیروهای انقلابی و هل که پیوسته هدفن افشای دشمنان خلقهای زحمت کش و در راس آن طبقه کارگر بوده است، از هر فرصتی برای آگاه نمودن توده ها استفاده نموده می نمایم. و در این راه و برای نقش بر آب کردن نقشه های دشمنان انقلاب سازشکاران و انحصارطلبان تمام نیروی خود را بکار می گیریم. زقا!

دولتی در انحصار این نیروها قرار گرفته است و جانی برای گفتگو و بحث نیرو های انقلابی باقی نمانده است. و اگر در این چند روز وجود چنین امکاناتی، آنها بطور بسیار محدود را تحصیل کرده اند، بخاطر فشار توده ها و اجتناب از رسوائی در پیشگاه آنها است.

خنده مجلس خبرگان

همچنین بدلیل همین وحشت و هراس آنها از آگاهی توده ها و نیز تثبیت هرچه زودتر پایه های قدرت خود از طریق «تصویب» قانون اساسی کذابی است که خنده «مجلس خبرگان» را به جای «مجلس موسسان» بکاز بستند. تا از این طریق تا حد امکان از عملکرد افشاکرانه نیروهای مترقی و انقلابی جلوگیری نمایند.

اما ما دیگر نیروهای انقلابی و هل که پیوسته هدفن افشای دشمنان خلقهای زحمت کش و در راس آن طبقه کارگر بوده است، از هر فرصتی برای آگاه نمودن توده ها استفاده نموده می نمایم. و در این راه و برای نقش بر آب کردن نقشه های دشمنان انقلاب سازشکاران و انحصارطلبان تمام نیروی خود را بکار می گیریم. زقا!

نکاتی درباره متن پیشنهادی قانون اساسی

میکند و در این میان آنکه همیشه ضرر میکند، مردم زحمتکش جامعه اند، که یکبار در دوران رژیم سابق و تحت مناسبات غارتگرانه حاکم بر آن، جیب سرمایه داران و ملاکین بزرگ را پر کرده اند و یکبار هم تحت حکومت «عدل اسلامی»، آنچه را که خود بوجود آورده اند از غاصبین واقعی خریداری کرده اند. بازنده در هر دو حالت، زحمتکشان و مردم محروماند و برنده نیز در هر دو حالت سرمایه داران و ملاکین بزرگ. (مادر این مورد در حقیقت شماره ۲۹ باندازه کافی توضیح دادیم و خواننده را مطالعه آن رجوع می دهیم و در این شماره در این زمینه بیش از این ادامه نمی دهیم.)

این متن پیشنهادی از مساله حقوق خلقها و ملیت های ایران به سادگی گذشته و صرفاً با اشاره به «حقوق مساوی»، (اصل ۵) این خلقها و ملیت ها، کار را فیصله داده است. همه آن داد و فریاد های فریبکارانه قبل از رفتن و بعد از آن درباره احترام به حقوق خلقهای مختلف ایران، در همین حرف ها و کلی خلاصه شده و حقوق خلقها پایمال شده است. نویسندگان این متن «لطف» کرده و «استفاده» از «زبانهای محلی در مدارس و مطبوعات محلی» را «آزاد» گذارده اند.

احترام به حقوق خلقهای مختلف ایران، معنای جز احترام به حق آنها در تعیین سرنوشت خویش ندارد و برتر نبودن هیچ خلقی بر خلق دیگر نیز معنای جز این ندارد که هر یک از این خلقها در تعیین سرنوشت خویش آزادند و هیچ خلقی نمی تواند خواسته های خود را به خلق دیگری تحمیل کند. خلق فارس نمی تواند زبان خود را به سایر خلقها بعنوان زبان و خط مشترک واحد کشور تحمیل نماید. انتخاب این زبان مشترک بمعده خود خلقهای ایران است و آنها هستند که پس از آزادی خواهند توانست داوطلبانه و آزادانه این زبان مشترک و رسمی را انتخاب نمایند. تا زمانیکه حق انتخاب این زبان نه خلقهای ایران داده نشده باشد و آنها خود داوطلبانه آزادانه

اکثریت محروم و ستم دیده مردم ایران خواهان از میان رفتن بهره کشی و استثمارند، اما برای رسیدن به آن میدانند که در درجه اول باید عامل این بهره کشی و استثمار را از میان برداشت. کارخانه ها و سرمایه ها و صنایع بزرگ را مصادره و ملی کنند، اراضی مالکین بزرگ را گرفته و مجانا میان دهقانان بی زمین و کم زمین تقسیم کنند، آفتوت فقط آفتوت، یک قدم واقعی در راه از میان برداشتن بهره کشی و بهبود واقعی شرایط زحمتکشان ایران برداشته آید. اما این قانون چنین نمیکند. از مصادره حرفی در میان نیست و هر جا هم که حرفی از ملی کردن به میان می آید، بشرط پرداخت قیمت عادلانه آن به سرمایه دار و ملاک می باشد. متن پیشنهادی سیاست نه سیخ بسوزد و نه کباب را دنبال میکند. یعنی اگر درجائی، مالکیت خصوصی بر صنایع، زمین و بازرگانی، با منافع کل جامعه در تضاد افتد، این صنایع و زمینها و اموال از مالکین آن خریداری میشود و در ظاهر هم جامعه به صنایع و اراضی مورد نیازش میرسد و هم سرمایه دار و ملاک و ناخر ضرر نمیکند و پول کارخانه و زمین و بنگاهش را بدست می آورد. ظاهراً معامله عادلانه ایست و از قرار هیچ طرف ضرر نمیکند و هر دو طرف به خواسته های خود میرسد، اما اگر ببینیم که قیمت این صنایع و اراضی و بنگاه های تجارتی از جیب چه کسی به کارخانه دار و ملاک و بازرگان پرداخت میشود و اصولاً این کارخانه دارها و ملاکین و بازرگانان بزرگ از کجا به این ثروت رسیده اند. روشن میشود که ذرواق این معامله تنها عادلانه نیست، بلکه معنای بجز چاپیدن مضاعف مردم ندارد. سرمایه دار و ملاک، یکبار با استثمار و چپاول زحمتکشان ثروتمند شده و به صنایع و اراضی بزرگ دست پیدا کرده است و بعد همین اراضی و صنایع را می آید و دوباره به همان مردمی که از آنها غصب کرده است میفروشد و یکبار دیگر به ثروت خود اضافه

در این امر شرکت نداشته باشند، تعیین هر زبان بعنوان زبان مشترک، تحمیل آن به سایر خلق ها خواهد بود. اگر همه خلقهای ایران از حقوق «کاملاً مساوی» برخوردارند، آنکاه این حقوق باید در کلیه زمینه های کار گرفته شود.

نکته دیگر مهم تر اینکه، حل مساله حقوق خلقهای ایران و تعیین سرنوشت آنها بدمست خودشان پیوندی ناگسستی با حل مساله دهقانی و ارضی دارد و زمانیکه این متن پیشنهادی در مناسبات اقتصادی حاکم و منافع ملاکین تغییر نمی دهد، آنوقت همه حرفها درباره تساوی حقوق خلقهای پایه خواهد بود، زیرا حق تعیین سرنوشت بدون آزادی از قید بند این مناسبات ظالمانه و چپاولگرانه، فقط و فقط بسود سرمایه داران و ملاکین بزرگ خواهد بود و تأسیری در زندگی واقعی مردم زحمتکش نخواهد گذاشت.

این متن پیشنهادی در زمینه حقوق سیاسی ملت، از همان تضادها و دوگانگی و محدودیت های متن پیشنهادی قبلی برخوردار است و در همه جا حقوق سیاسی داده شده با شروط و قیود مختلف محدود شده است و به «حکم قانون» حواله شده اند.

این متن پیشنهادی منافع اکثریت مردم ایران را تأمین نکرده و قانون اساسی طبقات مرفه جامعه است و منافع کارگران و دهقانان در آن جائی ندارد و از همین رو باید مورد مخالفت قرار گیرد.

از زمان طرح این متن و قبل از آن جنجال زیادی بر سر چگونگی تصویب آن برآه افتاده است. «دولت موقت»، آقای خمینی و برخی محافل دیگر شدیداً اصرار دارند که این متن هر چه زودتر به رای عمومی مردم گذاشته شود و به «تصویب» برسد. قبل از آن نیز خیال دارند در مجلسی از «نخبگان» و «خبرگان» که معلوم نیست نخبگی و خبرگی شان در چیست، آنرا بررسی نمایند و نظرات «ملت» را در آن وارد نمایند



طبقه کارگر اجازه نمیدهد مزد دوران برراس کارها بماند

نامه‌ای از کارگران سنندج به مردم مبارز سنندج

همشهریان مبارز! ما کارگران زحمتکش افتخار می‌کنیم که همه چیز ساخته و پرداخته دست ماست. مگرما و سایررتجبران نیستیم که تولید کننده همه ثروتها می‌باشیم؟ از قدیم گفته‌اند کارگر قلب روح و شیرجه‌جان مملکت است. ولی ببینیم در برابر این همه زنج و دریدری چه چیزی عایدما میشود، ماتولید می‌کنیم سرمایه‌داران به جیب می‌زنند. ما خون دل میخوریم آنها با خون ما چیره خودرا گلگون می‌سازند. به نیروی زحمتکشان بود که به بساط رژیم منفر پهلوی برای همیشه خاتمه داده شد. رفقا و برادران ما بودند که در کردستان و آذربایجان و خوزستان و سایر نقاط ایران سینه‌پراز کینه خود را جلو رگبار مسلسل سپر می‌کردند و مردانه و شرافتمندانه جان میدادند. ما انقلاب کردیم ولی هنوز خونمان و عرقمان خشک نشده بود که زالوهای خون‌آشام سر رسیدند تانه‌تنها از میوه انقلاب بخورند بلکه بیش از گذشته خون ما را بکنند و پهریش هرچه کارگر و زحمتکش است بخنند. در زمان دیکتاتوری محمد رضا شاه ساواک، ارتش، شهرپانی و زاندارمری کارگران مبارز را اخلاک و شورشی می‌خواندند اکنون نیز همین کار را میکنند. در زمان پهلوی قانون کار بطور موزیانه‌ای جنایات کارفرما را برحق جلوه میداد، امروز هم همینطور. در آن زمان حق مظلوم رابه ظالم میدادند حالا هم میدهند. امروز احکامات کار عامل دست کارفرما بود، امروز نیز چنین است. حتی مزایایی که در نظر می‌گرفتند برای این بود که طبقه کارگر را با چند روز غازی دلخوش کنند و از گرفتن حقوق واقعی خودش بازدارند. وحشتناک است که بعد از انقلاب نیز همان قانون ضد کارگری کار اجرا میشود. همین شهر خودمان را در نظر بگیرید: آقای وکیل رئیس اداره کار که یکصمر به طاغوت خدمت کرده است و جنایات اوعلیه کارگران و نوگری به سرمایه‌داران برهیچکس پوشیده نیست اکنون در پست ریاست اداره کار باقی مانده است. ما می‌رسیم چگونه کسی میتواند در رژیم شاه بدون موافقت ساواک و سرمایه‌داران به چنین مقامی برسد. پس این همه کشته دادیم برای چه؟ واقعا که دستخوش! این چه انقلابی است که هنوز چند ماه از آن نگذشته به ستون اصلی انقلاب پشت میکند؟ چرا راه دوری برویم. کارگر میداند که همین آقای وکیل چه خوش خدمتیهایی برای کارفرمایان بر ضد طبقه کارگر انجام نداده است؟ هنوز یادمان نرفته که در دوران دیکتاتوری شاه چگونه با چشم‌گریان از اتاق مدیر کل های ضد کارگر اداره کار بیرون می‌آمدیم و اگر کوچکترین اعتراض می‌کردیم ما را از ساواک و شکنجه‌گران می‌ترساندند. این مدعیان انقلاب خجالت نمی‌کشند که همان دغلاکاریهای ضد کارگری رژیم سابق را تکرار میکنند؟ کیست که تابحال به درد دل کارگران واقعی که یاد محیط کار دزیر چکه های کارفرما له میشوند و یا در حال قصص و اغصاب هستند گوش داده باشد. بجای آن ظاهر با کسی مصاحبه می‌کنند که عامل کارفرماست و نماینده واقعی کارگران

بیکاری و سرمایه‌داری

بیکاری مسئله‌ای است که در یک کشور سرمایه‌داری همیشه وجود دارد و دشمنی است که دائماً بالای سر کارگران در حرکت است. این مشکل و مسایل دیگر باعث میشود که کارگران هیچوقت به آینده خود اطمینان نداشته باشند. در حقیقت مزدی که کارگران می‌گیرند، اگر مدتی را که کارگر بیکار است و مزدی نمی‌گیرد در نظر داشته باشیم خیلی کمتر از مزدی میشود که ظاهراً دریافت می‌کنند. حرفهایی که گفتیم، چیزهایی نیستند که کارگران با آنها آشنایانند، اما هدف از این یادداشتها اینست که علت‌های واقعی بیکاری را بشناسیم و ببینیم حرفهایی که سرمایه‌داران می‌زنند که علت‌هایی که برای بیکاری می‌تراشند چقدر درست است و آیا دلایلی که برای بیکاری می‌آورند (مثلاً افزایش جمعیت) حقیقت دارد یا نه. اول، از زیاد شدن (انباشت) سرمایه صحبت می‌کنیم تا ببینیم که زیاد شدن سرمایه در یک کشور سرمایه‌داری چگونه باعث زیاد شدن بیکاری میشود. سرمایه هر کارخانه یا کارگاه و غیره دو قسمت دارد. قسمت اول آن، سرمایه‌داری است که برای خرید دستگاهها (ماشین آلات)، ساختمان کارخانه، مواد خام و نیمه‌ساخته و بطور کلی وسایل تولید بکار میرود که به این قسمت از سرمایه، سرمایه ثابت می‌گویند. قسمت دوم سرمایه که نسبت به قسمت اول کمتر است و برای پرداخت مزد کارگران بکار میرود، سرمایه متغیر گفته میشود. بنابراین موضوعی که باید به آن دقت کرد اینست که: تعداد کارگرانی که در یک کارخانه یا کارگاه کار میکنند و یا استخدام میشوند، بستگی مستقیم به سرمایه متغیر دارد نه سرمایه ثابت و یا کل سرمایه.

اما این مسئله چه ارتباطی با بیکاری دارد؟ حتماً کارگران دیده‌اند که هر چند وقت یکبار، برای کارخانه دستگاهها و ماشین آلات جدیدتری می‌آورند که این ماشین آلات خیلی گرانتر از دستگاههای قبلی هستند، اما در عوض احتیاج به کارگر کمتری دارند. معنی این حرف اینست که سرمایه داران هر ساله پول بیشتری برای خرید دستگاههای جدیدتر کنار میگذارند. یعنی هر ساله آن قسمت از سرمایه را که سرمایه ثابت گفته میشود بیشتر می‌کنند ولی همراه با اینکار آن قسمت از سرمایه را که سرمایه متغیر گفته میشود و برای پرداخت مزد به کارگران در حال کار و استخدام کارگران جدید لازم است، یا افزایش نمی‌دهند و یا خیلی کم افزایش میدهند. نتیجه این کار، یعنی از یک طرف زیاد شدن (انباشت) سرمایه و از طرف دیگر کم شدن سرمایه متغیر نسبت به سرمایه ثابت اینست که سرمایه داران هر سال به نسبت سال پیش، کمتر کارگر استخدام می‌کنند. البته کمتر استخدام کردن کارگر، به این معنی نیست که سود سرمایه داران هم کمتر میشود. برعکس با استفاده از دستگاههای جدیدتر و فشار بیشتر بر کارگران (که بعداً خواهیم گفت) سود سرمایه‌داران باز هم بیشتر میشود. مثالی در این مورد، قضیه را روشن تر می‌کنند. فرض کنیم سرمایه‌داری با ۱۴ میلیون تومان کارش را شروع می‌کند. او ۱۲ میلیون تومان را برای خرید ماشین آلات و ساختمان کارخانه خرج می‌کند و برای استخدام ۱۰۰ کارگر، ۲ میلیون تومان کنار میگذارد. حالا با توجه به جدول زیر ببینیم زیاد شدن سرمایه از یک طرف و کم شدن مقدار سرمایه متغیر نسبت به سرمایه ثابت چگونه باعث بیکاری میشود.

ادامه دارد

اشتراک روزنامه برای هم‌میهنان خارج از کشور

روزنامه پیغام امروز را می‌توانید مشترک شوید، روزنامه هفته دوبار با پست هوایی ارسال خواهد شد. برای اشتراک فرم زیر را پر کرده و همراه با حواله بانکی به صندوق پستی شماره ۴۱/۲۶۶۷ ارسال دارید.

اشتراک شش ماهه ۳۹۰۰ ریال
اشتراک یکساله ۷۸۰۰ ریال

Name	نام و نام خانوادگی
Address	آدرس
City	State

وحدت در عمل مقدم بر وحدت در کلمه

توطئه جدید علیه کارگران متوسک در جریان است

کارگران شرکت تولیدی شن و ماسه متوسک که بعد از ۲۵ روز تحسن و اعتصاب غذا در نیم اردیبهشت ماه اداره امور کارخانه را به عهده گرفتند و از آن تاریخ به بعد به تولید، تحت مدیریت شورای متوسک مشغولند در ارتباط با توطئه‌های کارفرمایان نامه سرگشاده‌ای به طبقه کارگران و تمام مدافعین حقوق زحمتکشان نوشته‌اند که رونوشت آن طبق معمول با در دستر فراوان به سبب همان شرایط کندهای که رابطه ما را با خارج بسیار با مانع روبرو کرده است بدست ما رسید. متن نامه را به سبب اهمیتی که دارد عیناً چاپ می‌شود:

«نامه سرگشاده به طبقه کارگر ایران و تمام مدافعین حقوق زحمتکشان»

ما کارگران شرکت تولیدی شن و ماسه متوسک بعد از ۲۵ روز تحسن و اعتصاب غذا، در تاریخ ۵۸/۲/۲۹ بدست‌های پرتوان خود، با اراده و نیروی توانبخش از اتحاد کارگران، با ایمان به شرف کارگری اداره امور کارخانه را به عهده گرفتیم. ما کارگران با وحدت و یکپارچگی خود در عمل، چرخهای کارخانه را با وجود تمام نسیسه‌ها و کارشکنی‌های کارفرمای زالوصفت در شرایطی که کارانداختیم که کارفرما قصد اخراج کارگران و تعطیل کارخانه را داشت. اکنون قریب به سه ماه است که در امور کارخانه، تولید محصول و فروش آن با انواع توطئه‌ها، خرابکاری و اعمال ضدانقلابی کارفرما و عمال او روبرو هستیم، که هر روز مشکلی تازه برای ما به وجود می‌آورند. اینها خیال میکنند که با این دسایس قادرند اراده پرتوان و وحدت نیروبخش ما را سست کرده و وجدان کارگری ما را خدشه‌دار کنند. زهی خیال باطل!

توطئه اول

این کوردلان و بزدلان بیشم فراموش کرده‌اند وقتی پای حقیقت و طلب خواسته‌های منطقی و بحق کارگران مطرح است هیچ نیروئی قادر به سفاکانه‌ای در مقابل قدرت متحد و یکپارچه کارگران نیست. در این مدت سه‌ماه به طور شیبانه روزی با انواع و اقسام مشکلات و توطئه‌ها روبرو بودیم، که ذکر یک‌یک آنها از حوصله این مقاله خارج است. زمانی

که پیمانکار شرکت (قیصری) با مسلسل یوزی ما را تهدید به قتل‌عام کرد. از او شکایت کرده و او را زندانی نمودند و بعد از مدتی اسم او در لیست اسامی ساواکیها در روزنامه کیهان منتشر شد. با زندانی شدن این مزور فکر کردیم که یکی از عوامل توطئه از بین رفته ولی متأسفانه بعد از ۲۰ روز این ساواکی! بقید ضمانت از زندان آزاد شده و به دستور کارفرما شروع به خرابکاری تاسیسات کارخانه نمود. توطئه و نفاق افکنی بر علیه ما کارگران نمود. این مزدور ساواکی و عامل کارفرما به وسیله عواملشان یک‌روز نوازهای حمل‌کننده ماسه را پاره کردند و روز دیگر به علت خرابکاری در تابلو برق پمپ آب کارخانه را از کار انداختند و کارخانه را به مدت چندین روز به علت بی‌آبی تعطیل کردند و در این مدت ما با زدن خرج‌خانه، با فروش اثاثیه خود و آوردن نقدینم‌هایمان هرکداممان بستگی به امکانات مقداری پول جمع‌آوری نموده و توانستیم مقداری از خرج ۲۵ هزار تومانی تعمیر پمپ آب را بپردازیم.

جاسوسان کارفرما

بعد از این توطئه دو نفر عوامل کارفرما که تحت‌الوای کارگر برای کارفرما جاسوسی میکردند شروع به خرید و فروش تریاک در کارخانه نموده و کوشش نمودند کارگران را یک‌یک به هروئین و تریاک معتاد نمایند. بعد از اینکه ما چندین روز با آنها صحبت کرده و حتی یکی از آنها را به بیمارستان معتادین معرفی نموده و از ثنابت بند فرجام خرید و فروش تریاک و کشیدن تریاک آنها را بر حذر داشتیم ولی چاره نداد. بناچار وقتی دیدیم که وجود آنها عملاً به سلامتی فکری و جسمی دیگر کارگران لطمه می‌زند یکی از آنها را همراه با هروئین و تریاک به کمیته شهریار معرفی نمودیم اما در کمیته به این امر توجهی مبذول نداشتند چون پای کارگران متوسک در میان بود، ولی ما قاطعانه تصمیم به اخراج این‌دو از کارخانه را گرفتیم، چه محیط متحد و یک‌پارچه و سراسر فداکاری برای تولید بیشتر و بسالاً رفتن سطح سواد و آگاهی ما کارگران جانی برای این بی‌بندوبارها را در خود نداشت.

ادامه دارد

مسئبان کتابسوزان را در دادگاههای انقلاب محاکمه و مجازات کنید

سازمان ملی دانشگاهیان ایران دانشگاه اصفهان) به مناسبت مسئبان کتابسوزان و هجوم به کتابخانه‌های از امام خمینی ، طرنامه انتشار فتوای ایشان مبنی بر منع و تحریم این قبیل اعمال به آفرین شدند . در نامه آمده است :

در ساعت سیزده و سی دقیقه روز جمعه ۲۹ تیرماه ۱۳۵۸ کتاب فروش عطاای واقع در خیابان پنهان طالبانی اصفهان بر اثر انفجار دو بمب نیرومند که به سبب عوامل خرابکار نصب شده بود ، منفجر گردید و سوخت . در این انفجار و آتش‌سوزی علاوه بر کتاب فروشی عطاای، چند مغازه فروشگاه اطراف آن طعمه‌ی حریق گردید و نابود شد . محمد رضا صالحی دانش آموز سال سوم هنرستان سروش ، خواهر - زاده‌ی صاحب کتاب فروشی که در محل فاجعه حضور داشت کشته شد .

این اولین بار نیست که چنین بر هولناکی را می‌شنویم . یکی از پیش نیز عناصر ضد اسلام سب هنگام در آتش کتاب فروشی پانک اصفهان واقع در چهارراه حکیم نظامی را بریده و با انداختن یک بمب سه راهی در داخل مغازه ، آتش انفجار و سوزاندن آنرا داشته بودند که خوشبختانه بر اثر عمل نکردن فیلدهای بمب ، آن توطئه‌ی کثیف عقیم ماند .

پیش از آن در ماهها و هفته‌های اخیر از کتابسوزانهای متعدد در سراسر کشور ، از تبریز تا ذوق و خرم آباد و دیگر نواحی خبردار شدیم که در یک مورد همراه با آدم سوزی نیز بود و کودک سه ساله‌ی مصومی به نام «کمال شیرزاد» نیز زنده در آتش کتابهای شعله‌ور سوخت و خاطر کتابسوزی و آتشسوزی «محمود غزنوی» و «کوره های آتشسوزی هیتلر و سینما و کس آبادان را در اذهان زنده کرد !

هیزمان با انفجار کتاب فروشی عطاای ، در دوسه روز اخیر گروه های مجبورالیه و غیر مسئولی در نواحی مختلف شهر ، روشندگان جرائد را مورد تهدید و ارباب قرار داده اند تا از فروش برخی از نشریات و مطبوعات خودداری ورزند و البته قبیل گردماند که ضرر مالی ناشی از

فایل توجه کارفرمایان محترم بخشودگی خسارات و جرائم حق بیمه به آگاهی کلیه کارفرمایان میرساند که کلیه خسارات و جرائم دیرکرد مربوط به عدم پرداخت حق بیمه به قبل از فروردین ۱۳۵۸ در صورت پرداخت اصل حق بیمه معوقه بطور نقد و یا توسط آن طبق قانون اجتماعی معاف خواهد بود . کارفرمای محترم میتوانند برای برخورداری از این معافیت و روشن شدن بدهی خود به واحدهای تامین اجتماعی در سراسر کشور مراجعه نمایند . سازمان تامین اجتماعی

کارکنان مبارز وزارت دارایی به دوستان واقعی زحمتکشان رای میدهیم

کارکنان مبارز وزارت امور اقتصادی و دارایی دیروز بیانیهای تحت عنوان «درانتخابات مجلس خبرگان شرکت نداشتیم» منتشر کردند .

متن بیانیه چنین است : «ما نمایندگان را انتخاب نخواهیم نمود که خود زحمتکش یا دوستدار واقعی زحمتکشان بوده و در عمل نیز این را ثابت نموده باشند . ما نمایندگان را انتخاب نخواهیم نمود که از موهومی افشاگرانه به هرگونه عمل ضد دموکراتیک اعتراض نموده و فریاد ما را به گوش جهانیان برسانند . ما نمایندگان را انتخاب نخواهیم نمود که در بستر مبارزه رشد کرده

درجه داران گروه پدافند هوایی با بلسر طی اعلامیه‌ای مشکلات و خواستهای خود را مطرح کردند و خواستار بررسی آنها شدند . در قسمتی از اعلامیه درجه داران آمده است :

ما درجه داران گروه پدافند هوایی با بلسر بارها خواست - هایمان را بگوش مقامات بالا رسانده ایم ولی متأسفانه جواب قانع کننده‌ای نشنیده ایم ، دلیل

دیداری از شورای انقلاب

و پیروند با قشر مسلط ، اعم از نظامی ، یا شخصی صاحب شهرت تخصصی اداری به آسانی جذب جریان تازه می‌شوند ، و همین باوران جدید هستند که زیربشی استیلای بعدی و آغاز مرحله دوم شمار می‌آیند . و همین باوران جدید هستند که اغلب ، در گذشته حلقه اتصال و ارتباط بازاری و میدانی با مسئولان صاحب قدرت بوده اند .

مگر در رژیم سرنگون شده ، هویدا نخست وزیر نبود که در اجرای امر ، صاحب فریادها بزرگ را به زندان و تبعید می‌فرستاد . و نمایندگان میدان راه به شهرهای بد آب و هوا تبعید می‌کرد که چراگران فروخته اند ؟ و بعد ، واسطه ها ، به کارگردانی می آمدند . آن واسطه ها ، اکنون هم حرمت خود را ، به علت تخصصشان نزد بازاری و میدانی دارند . و ماهیت طبقاتی آنها نیز معلوم است .

اما ، جرقه ها ، در برابر انبوه تراکم دودی که چشم را کور می‌کند ، ما را فریب ندهد . جرقه ها ، کجاست می‌زند ؟ و برود آنها چه اندازه است ؟ و در قبال مسائل اساسی و بنیادی انقلاب چه اعتباری دارد ؟ آیا ما حتی به ساده ترین و ابتدایی ترین هدفهای یک انقلاب ضد امپریالیستی در خارج و داخل کشور رسیده ایم ؟

می‌بینید که شریک زیرک بازاریها و میدانها در حکومت پس از انقلاب ، برای اینکه آنها را راحت و بی دردسر پشت سر خود بکشاند ، و از عناد کور آنها مانع کند ، حتی تصویر مکرره شاه و تدارکاتش را برای بازگشت به ایران ، هر چند روز یکبار رویاروی آنها قرار می‌دهد ، تا سرکشی آغاز نکنند . تسلیم باشند تا از هر کوجه و بچی که او می‌خواهد ، عبور کنند .

جرقه‌های فریب دهنده ، تا اینجا عبارت است از تظاهر به جدا شدن از پیمان سنتو - نه افشای آن - و ملی کردن اسمی بانکها و بیمه‌ها ، و گروهی از صنایع وابستگان رژیم سابق ، و مشارکت در اداره صنایع بزرگ غیر وابسته به رژیم سرنگون شده ، و افزایش اسمی حداقل دستمزد کارگران - زیرا حداقل دستمزد کارگر ساده هنوز هم ۲۵ تا ۳۰ درصد بیشتر از نرخ قانونی است - و محاکمه انقلابی و به جوجه تیر سپردن عده‌ی از عوامل ستم رژیم سرنگون شده و مصادره اموال آنها (که درباره شیوه مصادره و اعلام ارقام دقیق آن ، و نحوه مصرف ابرام وجود دارد) و شروع تصفیه سازمانها و نهادها از عوامل سرسپرده رژیم (که اکنون تغییر مسیر داده است و دارد به تصفیه مسلکی زیرشار «حزب معلوم» تبدیل می‌شود) .

جبهه آزادی مردم ایران به نامزدهای چریکهای فدایی ، مجاهدین خلق و گروه ائتلافی رای می‌دهیم

جبهه آزادی مردم ایران «جامی» اعلام کرد: نظریه اینکه حق نداریم در این مرحله از مبارزه از تریبون که برای افشاگری در اختیار داریم صرف نظر کرده و به انزوا پناه ببریم ، در انتخابات مجلس «خبرگان» شرکت می‌کنیم . متن اعلامیه جامی چنین است :

ما اعتقاد داریم که قانون اساسی باید تیلور خواسته‌ها و مذافع منافع اکثریت مردم کشور باشد و چنین قانونی فقط می‌تواند در یک مجلس موسسان واقعی با شرکت نمایندگان اکثریت توده‌های مردم بررسی و تصویب شود .

ما باور داریم که مجلس «خبرگان» که بجای مجلس موسسان واقعی بملت تحمیل شده قادر نیست وظیفه تدوین یک قانون اساسی مترقی را انجام دهد چراکه نمیتواند دربرگیرنده نمایندگان واقعی اکثریت مردم باشد .

اما نظریه اینکه توده‌های مردم باید در جریان عمل و در تجربه زندگی خویش به ماهیت قدرت‌های حاکم پی ببرند ، نظر به اینکه شکستن سد توهامات و خوشبختی‌ها فقط در جریان مبارزات روزمره و در برخورد با واقعیات زندگی میسر است ، نظریه اینکه شرکت در انتخابات می‌تواند مردم را برای اعلام خواسته‌ها و کوشش در راه رسیدن به آنها بسیج کند و ماهیت وعده و عیدهای ظاهر فریبی را که به زحمتکشان داده شده آشکار سازد ، نظر براینکه افشاء تحوه غیر دموکراتیک تدوین پیش نویس قانون اساسی ، تشکیل مجلس «خبرگان» و بالاخره تصویب قانون اساسی از راه شرکت در انتخابات ممکن است نبه عدم

وزارت کشور و مسئولیت انتخاباتی

بقیه از صفحه ۱

نازید نمایندگی مجلس مؤسسان جبهه ملی در خراسان - ابوالفضل قاسمی ، در تلگرام ، فرماندار درگز ، متهم به اعمال نفوذ در تعیین هیأت نظارت انتخابات شده است . ابوالفضل قاسمی مردی است صدیق و صادق ، ولابد فرماندار درگز و دعوت شدگان و برای هیأت نظارت نیز از خود حرفهایی دارند . وزارت کشور شما ، درین میان ، چه نقشی به عهده می‌گیرد ؟ آیا مداخله استانداران و فرمانداران ، در امر دعوت هیأت نظارت ، و ترتیب انتخابات ، تا چه اندازه مجاز است ؟ آیا برای حفظ حق طبیعی هر گروه و هر فرد ، در جریان مشارکت انتخاباتی ، چه راه‌هایی اندیشه کرده‌اید ؟ ...

کلیاتی که در قانون برای دعوت هیأت نظارت آمده است ، مشکل اجرایی نظارت را در احوال جاری حل نمی‌کند . انتخابات اکنون به صورتی است که حق برابری در مشارکت انتخاباتی ، باید برای تمام شرکت کنندگان ، حفظ شود . و این حق را ، اگر در درگز ، برای مردی با وجهه ابوالفضل قاسمی ، و نامزدی از جبهه ملی و حزب ایران ، که یاوران درازمدت به قدرت رسیدگان بوده اند ، فتوای حفظ کرد ، در تهران ، آبادان ، اصفهان ، تبریز و در مناطق تمرکز نیروی روستایی ، چگونه می‌خواهید برای حفظ حق برابری گروه‌های سیاسی ، در مشارکت انتخاباتی اقدام کنید ؟

مباد آنکه نزد وزارت کشور هم ، این توهم پیش بیاید که در پیشبرد منظور مذهبی ، بکار بستن شیوه‌میلانه معاویه و سردار معروفش ، جایز است . اول برای حفظ شیوه اسلامی ، تدبیرهایی را که در جهت استقرار آزادی و حق برابر در مبارزه انتخاباتی ، حق نظارت ، و حق برخورداری از آزادی و رای دادن ، برای مجلس بررسی قانون اساسی پیش‌بینی کرده‌اند طی مصاحبه‌ی اعلام کنید ، تا مردم ، از هر گروه بدانند تکلیفشان در مبارزه انتخاباتی چیست . و چگونه باید با جریان رویارو شوند .

شرکت در آن ، و نظریه اینکه ما حق نداریم در این مرحله از مبارزه از تریبون که برای افشاگری و دادن آگاهی به توده‌های مردم در اختیار داریم صرف نظر کرده و به انزوا پناه ببریم . در انتخابات مجلس «خبرگان» شرکت می‌کنیم و برای پیشبرد هدفهای فوق به نامزدهای ذیل رای می‌دهیم :

دو تهران به نامزدهای چریکهای فدایی خلق و شش گروه ائتلافی و مسعود رجوی از سازمان مجاهدین خلق ایران . در کردستان به آقای سارم - الدین صادق وزیری . در آذربایجان غربی به آقایان ماشاءاله بوزچالو . غنی بلوریان و دکتر قاسملو . در ترکمن صحرا به آقایان شیرمحمد درخشنده (توماج) و عبدالکریم مختوم . در سایر استانها به نامزدهای انقلابی و دموکراتی رای خواهیم داد که برنامه‌هایی در دفاع از حقوق آزادیهای دموکراتیک و پیشیانی از خود مختاری ملت های ساکن ایران و در ریشه کن کردن سلطه و نفوذ امپریالیسم ارائه دهند .

پیام چریک‌های فدایی به هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق روز گذشته با انتشار بیانیه ای خطاب به هواداران خود از آنها خواست تا در دفاع از منافع کارگران ، دهقانان و زحمتکشان در حوزه‌هایی که سازمان کاندیدای انتخاباتی ندارد از کاندیداهای سایر نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست و هواداران طبقه کارگر پیشیانی نموده و آراه انتخاباتی خود را به آنها بدهند .

آزادیهای سیاسی و اجتماعی ، تجزیه پذیر نیست

ناشر: پیغام نو
نشانی: پستی تهران صندوق شماره ۴۱۲۶۶۷

پیغام امروز
مدیر مسئول: رضاه زبانه
زیر نظر شورای نویسندگان

